

## الدرس الرابع عشر

الاهتمام بمتاجر السوق بدلاً من الشراء والتسوق. واليكم الآن الكلمات والمفردات الجديدة:

بازار = سوق

اين = هذا، هذه

قديمي = قديم، عتيق

= 300 ثلاثمائة

سال = سنة ، عام

قبل = قبل / سابق

اينجا = هذا المكان / هنا

بازار تهران = سوق طهران

چه جالب = ما أروع!

اسم اينجا چیست؟ = ما اسم هذا المكان؟

مردم = الناس

مي گویند = يقولون ، يسمون

بازار بزرگ = السوق الكبرى

خیلی = كثيرا

هست = موجود

فروشگاه = متجر

همه چیز = كل شيء

خوب = جيد

ارزان = رخيص / بخس

راهرو = ممر

باریک = ضيق

سقف = سقف

بلند = عالٍ، مرتفع

برایم = لي

جالب است = رائع

من فکر می کنم = أنا أتصور

همیشه = دائماً، دوما

شلوغ = مزدحم، مكتظ

شهر = مدينة

شهرها = المدن

دیگر = آخر، اخري

بازار قدیمی = سوق قدیمة

آنها دارند = هم لديهم/ هم عندهم

همه = الكل/ الجميع

همه شهرها = كل المدن

\*\*\*\*\*

نستمع الآن إلى الحوار بين محمد وزميله حميد:

محمد: حميد! فكر می کنم این بازار خیلی قدیمی است.

محمد: حميد! أتصور هذه السوق قديمة جداً.

حميد: بله. این محل قدیمی است. از سیصد سال قبل، اینجا بازار تهران است.

حميد: نعم. هذا المكان قديم. منذ ثلاثمائة سنة، هذا المكان سوق طهران.

محمد: چه جالب! اسم اینجا چیست؟

محمد: ما أروعه! ما اسم هذا المكان؟

حميد: مردم به اینجا بازار بزرگ می گویند.

حميد: الناس يسمّون هذا المكان السوق الكبرى.

محمد: خیلی فروشگاه در این بازار هست.

محمد: توجد متاجر كثيرة في هذه السوق.

حمید: بله. اینجا همه چیز هست. خوب و ارزان.

حمید: نعم. كل شيء موجود في هذا المكان. جيد ورخيص.

محمد: اما راهروی بازار باریک است.

محمد: لكن ممر السوق ضيق.

حمید: بله. راهرو باریک و سقف خیلی بلند است.

حمید: نعم. الممر ضيق والسقف عالٍ جداً.

محمد: آری. اینجا همه چیز برایم جالب است.

محمد: نعم. هنا كل شيء رائع لي.

نستمع مرة أخرى الى الحوار، ولكن باللغة الفارسية فقط.

محمد: حمید! فکر می کنم این بازار خیلی قدیمی است.

حمید: بله. این محل قدیمی است. از سیصد سال قبل، اینجا بازار تهران است.

محمد: چه جالب! اسم اینجا چیست؟

حمید: مردم به اینجا بازار بزرگ می گویند.

محمد: خیلی فروشگاه در این بازار هست.

حمید: بله. اینجا همه چیز هست. خوب و ارزان.

محمد: اما راهروی بازار باریك است.

حمید: بله. راهرو باریك و سقف خیلی بلند است.

محمد: آری. اینجا همه چیز برایم جالب است.

ينظر محمد الى حراك الناس وأنشطتهم في السوق. السوق مكتظة بالمارة والمتسوقين. متاجر الألبسة في ممرٍ، ومتاجر المجوهرات في ممرٍ آخر، ثم متاجر السجاد في الممر الذي يليه وهكذا... فكل ما تبغون موجود في هذه السوق... نستمع الى تنمة الحوار بين محمد وحميد:

محمد: اینجا همیشه شلوغ است؟

محمد: هل هذا المكان مزدحم دوماً؟

حمید: بله، اینجا همیشه شلوغ است.

حمید: نعم. هذا المكان مزدحم دوماً.

محمد: شهرهای دیگر هم بازار قدیمی دارند؟

محمد: المدن الاخرى ايضاً لها اسواق قديمة؟

حمید: بله، همه شهرهای ایران بازار قدیمی دارند.

حمید: نعم. جميع المدن الايرانية لها اسواق قديمة.

نستمع الى الحوار بين محمد وحميد مرة اخرى.

محمد: اینجا همیشه شلوغ است؟

حمید: بله، اینجا همیشه شلوغ است.

محمد: شهرهای دیگر هم بازار قدیمی دارند؟

حمید: بله، همه شهرهای ایران بازار قدیمی دارند.